

بررسی تطبیقی آثار عقیم شدن قرارداد در حقوق ایران و انگلیس

مصطفی السان^۱

محمد رضا منوچهری^۲

چکیده

عقیم شدن قرارداد به مفهوم منتفی شدن کامل یا جزئی موضوع قرارداد پیش از اجرای آن، مفهومی ساخته حقوق کاملاًست که البته می‌توان معادلهایی برای آن در فقه و حقوق اسلامی یافت. در این مقاله با تأکید بر حقوق ایران و انگلیس - به خصوص رویه قضایی و دیدگاه‌های موجود در باب تنوری عقیم شدن در کامن‌لا - به بررسی مسأله آثار عقیم شدن قرارداد خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

عقیم شدن، اجرای قرارداد، نفع قراردادی، حقوق انگلیس و حقوق ایران.

۱. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی.

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی، وکیل پایه یک دادگستری.

مقدمه و طرح بحث

مهمترین دلیل تشکیل قرارداد برای طرفین هر معامله‌ای، رسیدن و دست یافتن به موضوع آن است، از این رو وجود موضوع به عنوان یکی از عناصر اساسی تشکیل قرارداد در قوانین مدنی و حقوق تعهدات تمام کشورها مطرح گردیده است. در فرضی که موضوعی، مورد معامله قرار می‌گیرد یا برای انجام کار یا انتقال حقی قرارداد منعقد می‌شود، اگر قرارداد مذکور اجرا شود به بهترین نحو ممکن خاتمه یافته است؛ با این حال قرارداد مذکور قابل اقاله، فسخ یا تبدیل به تعهدی دیگر است. در این تحقیق می‌خواهیم به یکی دیگر از عوامل خاتمه قرارداد و سقوط تعهدات، که برخی از حقوق دانان آن را زیر لوای «تلف مورد معامله» بررسی می‌کنند، بپردازیم. بررسی «غیرممکن شدن یا عقیم شدن قرارداد» به عنوان یکی از اقسام تلف یا شبیه آن خالی از اشکال نیست؛ زیرا چه بسا که مالی مورد معامله قرار نگرفته، بلکه آنچه مورد قصد طرفین بوده انجام کار خاصی از سوی طرف قرارداد بوده که دیگران قادر به انجام آن نیستند. بنابراین اگر شخص مزبور به هر دلیل نتواند آن کار را انجام دهد باید گفت که قرارداد عقیم شده است؛ در نتیجه عقیم شدن دارای مفهوم عامی است که گاهی «تلف» را نیز در بر می‌گیرد ولی عکس این مورد به طور قطع نمی‌تواند صحیح باشد.

بدیهی است که عقیم شدن قرارداد باید ناشی از یک عارضه خارجی، غیر ارادی یا به عبارت بهتر «سماوی» باشد، از این رو اگر شخصی در غیرممکن شدن قرارداد دخیل باشد بر حسب مورد، مسؤولیت قراردادی یا قهری خواهد داشت.

گفتار نخست. کلیات

در این گفتار به طور کلی مسایل مربوط به مفهوم و همچنین مبنای عقیم شدن قرارداد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول. مفهوم عقیم شدن قرارداد

«عقیم شدن قرارداد»^۱ به این معنی است که هر گاه در اثنای قرارداد، بدون تقصیر هیچ یک از طرفین حادثه‌ای رخ دهد که اجرای عقد را غیرممکن سازد یا به صورتی درآورد که غیرقانونی شود و یا اینکه تغییرات اساسی در اوضاع و احوال ایجاد کند که در نتیجه آن قرارداد تبدیل به چیزی متفاوت با آنچه در ابتدا بوده، شود، در این صورت قرارداد به دلیل عدم امکان اجرا خود به خود به پایان خواهد رسید.^۲

عقیم شدن قرارداد که برخی از حقوق دانان از آن به «عدم امکان اجرای قرارداد» یا «ناممکن شدن عمل مورد تعهد» یاد کرده‌اند به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهد موجب آزاد شدن ذمه متعهد در مقابل متعهدله می‌شود.^۳

به طور مثال در پرونده *تیلور علیه کالدول* «کالدول یک تالار موسیقی را به تیلور اجاره داد که چند کنسرت در آنجا برگزار کند. تالار به طور اتفاقی قبل از اینکه موسیقی شروع شود طعمه حریق شد، دادگاه حکم نمود که قرارداد و بالتبع تعهد ناشی از آن ساقط شده است».^۴

مبحث دوم. اقسام عقیم شدن قرارداد

منشأ ناممکن شدن عمل مورد تعهد می‌تواند متفاوت باشد، مثلاً عوامل قهری یا ویژگیهای درونی کالا، مانع عملی، تغییر مرزهای سیاسی^۵ و.. می‌تواند منجر به عقیم شدن قرارداد شود. به هر حال می‌توان عقیم شدن قرارداد را در تفسیری موسع به دو عنوان عقیم

1. Frustration.

۲. میرمحمد صادقی، حسین، *مروری بر حقوق قراردادهای در انگلستان* (ترجمه)، چ اول، نشر حقوق دان، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۸۱.

۳. شهیدی، مرحوم دکتر مهدی، *سقوط تعهدات*، چ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۶۸، ص ۱۳۵.

4. Taylor V. Caldwell [1863]. In: Lawrence William H. & Henning, William H. **Understanding Sales and Leases of Goods**, Lexis Nexis 1996.

۵. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات*، چ اول، نشر یلدا، تهران ۱۳۷۴، ش ۳۷۸، ص ۵۴۵.

شدن ناشی از تلف - غیرممکن شدن مادی یا فیزیکی - و عقیم شدن ناشی از حکم قانون - غیرممکن حقوقی - تقسیم بندی نمود.

در خصوص مورد اخیر می‌توان چنین مثال زد که اگر قانون، احتکار مواد غذایی را به علت وجود شرایط جنگی ممنوع سازد، حتی اگر عملاً امکان تسلیم مورد معامله وجود داشته باشد، قرارداد به دلیل «حکم قانون» غیرممکن شده است، امری که در پرونده ری‌شپیتون^۱ اتفاق افتاد.

به نظر می‌رسد که در صورت عدم امکان اجرای تعهد، قواعدی که در صورت تلف موضوع تعهد حاکم است اجرا خواهد شد. در حقوق ایران ماده ۲۳۹ قانون مدنی که در خصوص شرط ضمن عقد است و از مبنای آن می‌توان در خصوص قرارداد اصلی استفاده کرد، مقرر می‌دارد: «هر گاه اجبار مشروط‌علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت».

در صورتی که اجرای قرارداد اصلی از سوی متعهد امکان‌پذیر نباشد و دیگری هم نتواند آن را به جای او انجام دهد؛ به طور مثال مورد تعهد، ساختن پل معلقی باشد که فقط مهندسی که با وی قرارداد منعقد شده توانایی ساختن آن را از نظر علمی داشته‌باشد؛ در این مثال، در صورتی که وی بعد از انعقاد قرارداد کشور را ترک گوید و امکان بازگشت او نباشد یا فوت شود، قرارداد عقیم شده است در حالی که مانع قانونی در این زمینه وجود ندارد. اگر ثابت شود که ترک کشور از سوی مهندس مذکور قبل از انعقاد قرارداد بوده و امکان بازگشتن وجود ندارد، قرارداد از نظر حقوق مدنی ایران باطل است و بنا بر حقوق انگلیس به دلیل فقدان مفهومی به عنوان «انفساخ» قرارداد «باطل» خواهد شد.

مبحث سوم. مبنای حقوقی عقیم شدن قرارداد

دکترین عقیم شدن قرارداد ساخته حقوق انگلیس است، لذا مبنای عقیم شدن قرارداد را،

1. re Ship ton, Anderson & Co., [256 U.S. 1915].

در حقوق این کشور باید بررسی کرد. برای دکترین عقیم شدن قرارداد در حقوق انگلیس مبانی مختلف ذکر شده که دو مبنا از همه مهم‌تر بوده و بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

۱. نظریه اساسی تعهد

بنابر این مبنا که مجلس اعیان انگلیس^۱ آن را در دعوایی^۲ در سال ۱۹۵۶^۳ مورد توجه قرار داد، تغییری که در قرارداد باید به وجود آید تا عقیم شدن قرارداد به معنی اصطلاحی تحقق یابد لازم است به صورتی باشد که موضوع تعهد در صورتی که حتی امکان اجرای آن وجود داشته باشد، چیزی متفاوت با موضوع مورد توافق طرفین باشد (اظهار لرد رادکیلِف در پرونده فوق‌الذکر).

این نظر در حقوق ایران نیز قابل پذیرش است، بدین مفهوم که قراردادها را می‌توان به دو گونه تقسیم بندی کرد:

الف. قراردادهایی که در آن قصد یکی از طرفین از موضوع قرارداد به صورت یک مجموعه واحد همراه با موعد قرارداد در نظر گرفته می‌شود. یعنی «مجموع مرکب از مورد معامله و تعهد آن به زمان مقرر برای اجرای عقد به صورت وحدت مطلوب مورد نظر طرفین معامله باشد»^۴. در این صورت حتی اگر تسلیم مورد معامله یا اجرای مورد تعهد نیز برای مدت زمان معین یا نامعین - ولی به طور موقت - غیرممکن باشد قرارداد را باید منتفی و عقیم شده دانست. به طور مثال اگر موضوع قرارداد حمل و نقل عده‌ای دانشمند برای شرکت در یک همایش علمی توسط یک شرکت هواپیمایی باشد، ولی در موعد مقرر، قرارداد به علت نامساعد بودن شرایط جوی اجرا نشود، باید قرارداد را با وجود انتفای موقت اجرای آن به علت وحدت مطلوب، عقیم شده دانست.

1. House of lords.

2. Davis Contractors Ltd V. Farehan Urban District Council.

3. Smith & Thomas, A Case book on Contract, International Student Edition, Ninth Edition, Sweet & Max well, London 1992. p. 514.

۴. شهیدی، مهدی، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، ج اول، چ اول، نشر حقوق دان، تهران ۱۳۷۷، شماره ۲۴۹، ص ۳۱۳.

در حقوق انگلیس به موجب رأی صادره از دادگاه سلطنتی این کشور، اگر اجرای قرارداد برای زمان معینی مطلوب و مورد تعهد باشد و به علت بروز حوادث غیرقابل پیش‌بینی که هیچ کدام از طرفین در آن تقصیری نداشته‌اند در موعد مقرر قابل اجرا نباشد در این صورت تأخیر در اجرا موجب عقیم شدن یا انتفای قرارداد می‌شود.^۱

ب. قراردادهایی که در آن، موعد انجام عمل مورد عقد، یا تسلیم مال مورد معامله نسبت به خود آن موضوع، اهمیت کمتری دارد و تسلیم موضوع فی‌نفسه مهم است؛ لذا اینکه تسلیم در موعدی دیرتر از موعد مورد توافق صورت گیرد خدشه‌ای به اصل قرارداد وارد نمی‌سازد، در این صورت انتفای موقت موضوع، موجب بطلان قرارداد نخواهد بود مگر اینکه این انتفاء تا اندازه‌ای از موعد قرارداد فاصله داشته و طولانی باشد که عرف، قرارداد را منتفی بداند و در این صورت عقیم شدن قرارداد محقق خواهد بود.

۲. نظریه شرط ضمنی

به موجب این نظریه طرفین به طور ضمنی توافق کرده‌اند که در صورت عقیم شدن قرارداد در قبال همدیگر تعهدی نداشته باشند، در حقوق انگلیس هر چند از این نظریه در دو پرونده^۲ استفاده شده است، با این وجود این نظریه، نمی‌تواند صحیح باشد و در حال حاضر عموماً نظریه اول ترجیح داده می‌شود.^۳

در حقوق مدنی ایران نیز به این علت که دلیلی بر «شرط ضمنی بودن عدم تعهد طرفین در قبال همدیگر در صورت انتفای قرارداد» وجود ندارد، با توجه به اصل عدم نمی‌توان چنین نظریه‌ای را صحیح دانست.

۱. شفایی، محمدرضا، *بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها*، چ اول، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۷۶، ص ۵۲.

2. Taylor v. Caldwell (1863); F. A. Tamplin ss v. Anglo Mexican Petroleum (1916).

۳. میرمحمدصادقی، حسین، منبع پیشین، ص ۱۸۲.

گفتار دوم. آثار عقیم شدن قرارداد در حقوق انگلیس

در حقوق کامن‌لا آثار عقیم شدن قرارداد کاملاً معین شده است اگرچه موضع حقوق مذکور در خصوص آثار عقیم شدن قرارداد در برخی موارد انعطاف پذیر نیست، قرارداد از زمانی خاتمه می‌یابد که عقیم شدن اتفاق می‌افتد، یعنی طرفین قرارداد از تعهدات آینده خویش بری می‌شوند اما الزاماتی که تحمیل شده یا وظایف و هزینه‌هایی که باقی مانده تعهد آور است.

برای نمونه در پرونده *کاندلر علیه ویستر*^۱ خواهان با اجاره خانه‌ای در پال‌مال به خواننده، برای تماشای مراسم تاجگذاری در سال ۱۹۰۲ موافقت کرد. اجاره‌بها مبلغ ۱۴۱/۵۱ پوند بود که باید فوراً پرداخت می‌شد، که فقط ۱۰۰ پوند از آن پرداخت شد و مراسم تاجگذاری برگزار نشد. حکم شد که خواننده، نه تنها حقی برای استرداد مبلغ ۱۰۰ پوند ندارد بلکه باید ۴۱ پوند و ۵۱ شیلینگ باقی مانده را به خواهان تسلیم کند.

در حقیقت به نظر می‌رسد که نتیجه فوق‌الذکر این است که خواننده مسؤول پرداخت تمام مبلغ است اما نباید بر تصرف ملک مورد اجاره در مدت قرارداد اصرار ورزد. این نتیجه محال و غیرعادلانه نمی‌توانست موافق با قواعد حقوقی پذیرفته شده، باشد و بر همین اساس مجلس اعیان انگلیس در پرونده فایبروزا این نتیجه را رد کرد. در این پرونده یک شرکت لهستانی تعدادی ماشین‌شانه کردن الیاف کتان را اندکی قبل از وقوع جنگ دوم جهانی به سازندگان آن در لیدز سفارش داده بود. ماشینها می‌بایست بر اساس قرارداد سیف «گرینیا» در ظرف زمان معین تحویل می‌شد. البته در قرارداد، مقرر شده بود که در صورت

1. Cheshire, Fifoot & Farns ton's Law of Contract, 12th. Butterworth's Publication, London 1991. pp. 585- 587.

«در این پرونده خواهان با اجاره خانه‌ای در پال‌مال به خواننده برای دیدن مراسم تاجگذاری در سال ۱۹۰۲ موافقت کرد، اجاره‌بها مبلغ ۱۴۱/۵ پوند بود که باید فوراً پرداخت می‌شد، فقط ۱۰۰ پوند از آن پرداخت شد و خواننده مراسم تاجگذاری برگزار نکرد. حکم شد که خواننده نه تنها حقی برای استرداد مبلغ ۱۰۰ پوند ندارد بلکه باید ۴۱ پوند و ۵۱ شیلینگ باقی مانده را به خواهان تسلیم نماید.»

وقوع جنگ یا هر حادثه‌ای که خارج از کنترل طرفین باشد، برای زمان تحویل باید یک مدت متعارف دیگر در نظر گرفته شود. پس از وقوع جنگ جهانی «گرینیا» توسط آلمانها اشغال شد و عملاً امکان اجرای قرارداد منتفی شد و موضوع منجر به اختلاف میان طرفین و ارجاع امر به دادگاه گشت. نهایتاً حکم شد شخصی که مبلغی را پیش پرداخت نموده است می‌تواند آن را مسترد کند و مسؤولیتی برای پرداخت آن در صورتی که نپرداخته باشد، ندارد.^۱

حتی اگر این رأی صادر نشده بود حکم چنین قضیه‌ای به دو دلیل روشن است:
اولاً، احتمال دارد طرفی که به موجب قرارداد مبلغی دریافت نکرده، مبلغی را مستحق شود. طرف دیگر نیز ممکن است مبلغ قابل توجهی را برای اجرا و تهیه مقدمات قرارداد متحمل شود حتی ممکن است هزینه‌ها واقعاً صورت گیرد. به طور مثال اگر فروشنده در قضیه فایبروزا کار زیادی را بر روی ماشینها انجام می‌داد (که در واقع انجام داده بود) و اگر ماشینها به شخص دیگری فروخته نشده بود (که فی الواقع آنها به نحو خاصی طراحی شده بودند)، این حقیقتاً کار سختی خواهد بود که فروشنده را مجبور سازیم تا پیش‌پرداختی را که از سوی مشتری برای کالایی داده شده که دریافت نگردیده، پس دهد.
ثانیاً، راه‌حل فایبروزا فقط زمانی اجرا می‌شود که پرداخت تمام عوض غیرممکن شده باشد؛ لذا اگر قسمتی از دستگاهها قبل از بروز جنگ تسلیم شده بود در صورتی که ارزش آنها حتی از ۱۰۰ پوند بسیار کمتر می‌بود خریدار نمی‌توانست چیزی بیش از پیش‌پرداخت را مطالبه نماید و در این خصوص اینکه مبلغ پرداخت شده چقدر بوده تأثیری ندارد.^۲
چنان که دیده می‌شود قواعد کامن‌لا از نظر اجرایی و آثار، بسیار سختگیرانه است. از این رو لازم است در پاسخ به مسایل مربوط به آثار عقیم شدن قرارداد انعطاف بیشتری به

۱. اشمیتوف، کلايو. ام، *حقوق تجارت بين الملل*، ج اول، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و دیگران، چ اول، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۸، ص ۲۹۲.

2. Taylor, Richard. D, Law of Contract, Sixth Edition, International Student Ed. Blackstone Press. London 1988. p 168.

کار رود که این امر تا حد زیادی در قانون اصلاح قراردادهای عقیم شده (مصوب ۱۹۴۳)^۱ رعایت شده است.

مقررات کلیدی قانون، بندهای ۲ و ۳ بخش (۱) است که به ترتیب بررسی می‌شوند.

مبحث اول. بند ۲ بخش اول قانون اصلاحی (قراردادهای عقیم شده)

بنابر بند ۲ بخش (۱) قانون مذکور: «هر مبلغی که به یک طرف به موجب قرارداد، پیش از موعد و در زمانی که قرارداد منتهی شده، یا باید پرداخت شود؛ در صورتی که پرداخت شده باشد از سوی تأدیه کننده از شخصی که آن را برای استفاده به سود وی دریافت کرده قابل استرداد است و اگر پرداختی صورت نگرفته، ولی الزام به آن وجود داشته باشد، تأدیه صورت نمی‌گیرد. اگر شخصی که مبالغی به او پرداخت شده یا باید پرداخت شود، هزینه‌هایی را قبل از سقوط تعهد برای مورد معامله یا تهیه مقدمات اجرای قرارداد متحمل شده باشد، دادگاه می‌تواند در صورتی که انجام هزینه‌ها را با توجه به قراین و اوضاع و احوال پرونده احراز کند به زیان دیده حسب مورد حق نگهداشتن یا استرداد خسارت به اندازه تمام مبلغی که تأدیه شده یا باید پرداخت شود را بدهد که این مبلغ نمی‌تواند از هزینه‌های انجام شده از سوی فروشنده بیشتر باشد».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مفاد بند ۳ صریح نیست، با این حال می‌توان آن را تحت دو عنوان ذیل بررسی نمود:

الف. هر مبلغی که توسط (الف) قبل از عقیم شدن قرارداد به (ب) پرداخت شود، قابل استرداد است. با این قید که اگر (ب) قبل از عقیم شدن مخارجی را برای اجرای قرارداد متحمل شده باشد. دادگاه در صورتی که دعوایی اقامه شده باشد، به نحوی که پیشتر ذکر شد، رأی می‌دهد. البته ممکن است که به (ب) اجازه داده شود مبلغی معادل یا کمتر از مخارجی که متحمل شده، دریافت دارد.

بنابراین در پرونده فایبروزا که خریداران مبلغ ۱۰۰۰ پوند پیش‌پرداخته بودند، به فرض

1. Law Reform (Frustrated Contracts) Act 1943.

اگر فروشندگان معادل مبلغ ۸۰۰ پوند به منظور اجرای قرارداد خویش هزینه کرده باشند، خریداران، در نگاه اول به نظر می‌رسد که مستحق دریافت ۱۰۰۰ پوندی هستند که پرداخته‌اند اما دادگاه می‌تواند در صورت صلاح‌دید حکم کند که فروشندگان فقط آنچه که بیش از ۸۰۰ پوند است - یعنی ۲۰۰ پوند را - مسترد دارند. حتی اگر تمام مبلغ برای جبران خسارت طرف قرارداد لازم باشد می‌توان فروشنده را از استرداد تمام آنچه پرداخته، محروم کرد. با این وجود به نظر صحیح نمی‌نماید در صورتی که نیروی کار فروشنده در ساخت دستگاه‌های از نوع مخصوص، تلف شده باشد بتواند تمام ۸۰۰ پوند را نگه دارد و از این طریق تمام خسارات ناشی از عقیم شدن قرارداد را مشتری متحمل شود. راه‌حل صحیح‌تر آن است که فروشنده نیز در ضرر شریک شده و مبلغ ۴۰۰ پوند را همراه با مبلغ ۲۰۰ پوند اضافه بر خسارت وارده به خریدار مسترد دارد.^۱

اما این تحلیل صحیح در پرونده *گامبرکو*^۲ اجرا نشد و تولید کننده مجاز شناخته نشد که از مبلغ پیش‌پرداختی که بالغ بر مبلغ ۴۱۲۰۰۰ پوند می‌گردید هزینه‌هایی مشکوک خود را - که احتمالاً هرگز صورت نگرفته نبود - و میزان آن در حدود ۵۰۰۰۰ پوند ادعا شده بود محاسبه کند.^۳

ب. موضوع دیگری که از بند ۲ بخش (۱) جدا نیست این است که هر مبلغی که از ناحیه (الف) قبل از عقیم شدن قرارداد باید به (ب) پرداخت شود (با این حال پرداخت نشده باشد) و این عدم پرداخت در شرایطی باشد که (ب) هزینه‌هایی را متحمل شده، دادگاه می‌تواند در صورتی که انجام شدن هزینه‌ها را احراز کند به (ب) این حق را بدهد تا مبلغی معادل یا کمتر از آنچه هزینه شده را مسترد (دریافت) دارد.

در قضیه *Fibrosa* مبلغ ۱۶۰۰ پوند به عنوان پیش‌پرداخت تعیین شده بود اگرچه در

1. Taylor Richard. Op cit, p. 169.

2. *Gamer Co v ICM/Fair Warning (Agency) Ltd* [1995].

3. See, Anson, *Law of Contract*, 27th edition, by J. Beatson, Oxford University Press, Oxford, UK, 1998. p. 530.

واقع ۱۰۰۰ پوند پرداخت شده بود، فرض کنید که واقعاً مبلغی پرداخت نشده و فروشندگان ۱۳۰۰ پوند هزینه کرده باشند، بنا بر آنچه در قسمت (ب) گفته شد، خریدار بنا به نظر اول محکوم به پرداخت چیزی نیست (حتی اگر در قرارداد شرط بوده که ۱۶۰۰ پوند قبل از انجام تعهد از سوی فروشنده پرداخت شود)، ولی دادگاه می‌تواند در صورت صلاح دید به فروشنده این حق را بدهد تا هزینه‌های خود (۱۳۰۰) را از خریدار مطالبه کند که این امر در قسمت (الف) بررسی شد.

اگر هزینه‌های فروشنده ۱۸۰۰ پوند باشد وی نمی‌تواند بیش از آنچه که شرط پیش‌پرداخت آن شده را، مطالبه کند؛ در نتیجه اگر چیزی قبلاً پرداخته نشده و شرط پیش‌پرداخت نیز وجود نداشته باشد فروشنده یا قائم‌مقام وی نمی‌تواند برای جبران هزینه‌های خود به بند ۲ بخش (۱) قانون اصلاح حقوقی قراردادهای عقیم شده استناد کند بلکه باید به بند ۳ از ماده مذکور متوسل شود، همان‌طور که خواهیم دید این بند «نفع ارزشمندی»^۱ را که به طرف مقابل تعلق می‌گیرد مد نظر قرار می‌دهد. فروشندگان در قضیه فایروزا نمی‌توانستند به بند مذکور استناد کنند زیرا چیزی از مبیع تسلیم نشده و از این‌رو نفع ارزشمندی از سوی خریدار تحصیل نشده بود.^۲

مبحث دوم. بند (۳) بخش اول قانون اصلاح حقوقی (قراردادهای عقیم شده)

بند ۳ بخش (۱) قانون ۱۹۴۳ برای تعدیل روابط مالی طرفین مقرر گردیده است، به موجب بند مذکور: «در صورتی که یکی از طرفین قرارداد به دلیل انجام هر گونه فعلی از سوی طرف دیگر به منظور اجرای قرارداد یا در حین اجرای قرارداد، نفع ارزشمندی را (غیر از آنچه مربوط به پرداخت مبلغی باشد که در بند سابق‌الذکر مطرح شد) قبل از موعد انتفای قرارداد به دست آورد، در صورت ادعای طرف مقابل بر چنین استیفایی که نباید بیش از میزان استفاده‌ای باشد که طرف مقابل برده است، دادگاه می‌تواند در صورتی که منصفانه

1. Valable Benefit.

2. Taylor Op Cit p. 169.

تشخیص دهد با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال پرونده و موارد زیر حکم به جبران آن از سوی استیفا کننده صادر کند.

الف. هر مبلغی که قبل از موعد سقوط تعهد به وسیله استیفا کننده یا به منظور اجرای قرارداد به طرف مقابل تحمیل شده، که شامل تمام مبالغ پرداخت شده یا واجب‌الادا می‌باشد با توجه به مفاد قرارداد، متعهد ملزم به تأدیه آن است و بنابر آنچه که در بند سابق [بند ۲ بخش (۱)] ذکر شد حسب مورد قابل مطالبه بوده در صورتی که دریافت نشده باشد یا دریافت کننده می‌تواند آن را مسترد نکند در صورتی که متعهد آن را پرداخته باشد و طرف مقابل آن را هزینه کرده باشد.

ب. «اثر شرایط و اوضاع و احوال منجر به عقیم شدن قرارداد در - میزان - منافع مورد

ادعا»

مفاد این بند به مبلغی که پرداخت شده یا تعهد به پرداخت آن وجود دارد ارتباطی ندارد. اگر یکی از طرفین قبل از عقیم شدن به علت اجرای بخشی از قرارداد منافی را تحصیل کرده باشد، دادگاه صلاحیت خواهد داشت که به میزان منافع اظهار شده به نفع زیان‌دیده حکم کند. برای تشخیص حکم مسأله تمام اوضاع و احوال پرونده را در نظر می‌گیرد، البته همانطور که گفته شد قانون فقط دو مورد را مورد بحث قرار داده است:^۱

۱. هر هزینه‌ای که توسط طرفین، در جهت اجرای قرارداد انجام شده است.

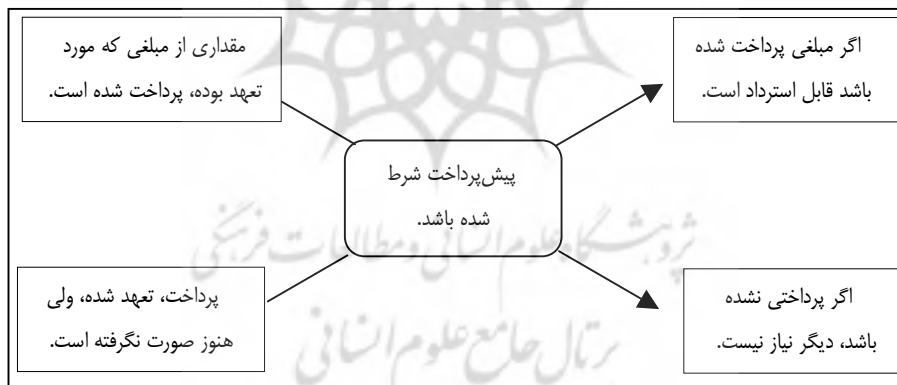
۲. اثر عقیم شدن قرارداد و اوضاع و احوالی که، عقیم شدن قرارداد از آن ناشی شده در

منافع دارد.

تمام آنچه گفته شد بر اساس حقایقی که در قضیه فایبروزا وجود داشت و شرح داده شد، قابل بررسی است. به طور مثال اگر چیزی پرداخت نشده و شرط پیش‌پرداخت نیز وجود نداشته باشد، اما فروشندگان نصف دستگاههایی را که معادل ۲/۴۰۰ پوند قیمت دارند به موجب قرارداد به خریداران تحویل داده‌اند دادگاه اختیار صدور حکم به نفع فروشندگان را

1. Ibid p. 170.

دقیقاً به میزان ۲/۴۰۰ پوند (قیمت منافع تحصیل شده از سوی مشتری) خواهد داشت، حتی این احتمال وجود دارد که دادگاه بتواند بر تمام مبلغ به نفع فروشندگان حکم کند زیرا شرایط و اوضاع و احوالی که به عقیم شدن قوت بخشیده (بروز جنگ) موجب کاهش ارزش منافع به موجب بند ۲ مذکور نشده است. با این وجود اگر خریدار دقیقاً مبلغ ۱۰۰۰ پوند پیش‌پرداخت نموده باشد و دادگاه، آن را به موجب بند ۲ بخش (۱) قابل تملک از سوی خریدار بداند (بر اساس معیار ۱ که فوقاً ذکر شد) محکوم‌بها به موجب بند ۳ بخش (۱) به همان ۱۰۰۰ پوند محدود خواهد گردید. شق دیگر قضیه این است که خریدار مبلغی را به فروشنده نپرداخته اما در قرارداد شرط شده باشد که مبلغ ۵۰۰ پوند به شخص ثالثی برای حمل نمودن دستگاهها پرداخت کند. در این صورت نیز موضوع مشمول معیار ۱ خواهد بود. اگرچه این امر به طور کامل واضح نیست که تمام ۵۰۰ پوند از میزان حکم صادره قابل کسر می‌باشد (بنابراین ۵۰۰ پوند به شخص ثالثی پرداخت شده و ارتباطی به آنچه که باید به فروشنده پرداخت شود ندارد). به موجب بندهای ۲ و ۳ بخش (۱) دادگاه می‌تواند در صورت صلاح‌دید و در زمانی که شرایط معینی وجود داشته باشد به خسارات فروشنده حکم نماید که موضوع در مدل پایین به صورت دقیقی ذکر شده است.^۱



مخارجی که در حین اجرای قرارداد صورت گرفته قابل استرداد است اما محدود به

1. Ibid p. 171.

مبلغی است که به صورت پیش پرداخت به فروشنده، تحویل گردیده یا باید تحویل می‌شد. فقط یک معیار است که باید بر معیارهای مذکور در مباحث قبل و نمودار اخیر افزود که به طور خاص به بند ۳ بخش (۱) مرتبط است و در پرونده‌ای^۱ مورد بحث قرار گرفته است. در این پرونده: «خواننده یک مرد ثروتمند بود که امتیاز استخراج نفت لیبی را در اختیار داشت، بدون اینکه گمانه‌زنی شود چنین پیش‌بینی می‌شد که در آنجا نفت وجود دارد. مبلغ زیادی برای جستجو و استخراج نفت مورد نیاز بود و به همان اندازه منافع عظیمی وجود داشت. قرارداد جستجو توسط هانت با خواهانها، بر این مبنا که طرفین در منطقه نفتی شریک باشند منعقد گردید - البته اگر نفتی وجود می‌داشت - اما خواهان می‌بایست خطرات را تحمل نموده و ریسک می‌کرد. ضرورتاً خواهانها باید هزینه‌های اکتشاف و استخراج را متحمل می‌شدند و به جای پول، در عوض همکاری هانت، به وی حق مشارکت اعطا می‌کردند. اکتشاف بسیار خوشایند بود، مناطق نفتی بسیاری کشف شد و چاههای نفت حفر گردید و سپس لوله‌ها نصب شد لیکن قرارداد، به این دلیل که دولت لیبی امتیاز نفت را لغو نمود، عقیم گردید.

در این مدت شرکت اکتشاف گر بی‌پی، مبلغی در حدود ۱۰ میلیون پوند به هانت پرداخته بود، مبلغی در حدود ۸۷ میلیون برای اکتشاف و سایر مسایل هزینه نموده و حدود ۶۲ میلیون پوند ضرر کرده بود. شرکت اکتشاف گر بی‌پی ادعایی بر مبنای بند ۳ بخش (۱) اقامه کرد. سؤال اصلی این بود که چه منفعت ارزشمندی به هانت اعطا شده بود؟ قاضی رُبرت حکم نمود که، منفعتی در خدمات اکتشافی وجود نداشته زیرا عمل جستجو برای نفت به خودی خود برای هانت سودآور نبود و نیز نفعی در نفت خامی که بعداً کشف شده بود - بر مبنای شروط قراردادی، دال بر واگذاری امتیاز - وجود نداشت، بلکه نفع مقصود در امتیازی بود که با اکتشاف نفت ایجاد شده بود. مع‌ذلک قاضی رُبرت اعتقاد داشت قایل شدن اثر برای منافع ابراز شده در شرایطی که قرارداد عقیم شده، به این معناست که ادعای

1. Bp Exploration(Libya) LTD v. Hunt (1997); See: Cheshire and others, Op Cit pp 589 – 590 and See: Treitel G.H the law of contract, Tenth edition, Sweet & Maxwell, London 1999 p. 851.

نفع و سود در زمان عقیم شدن قرارداد مطرح شده است لذا خواسته، از ارزش مالی نفعهایی که منتقل شده و نیز هر گونه ادعای جبران خسارتی علیه دولت لیبی تشکیل می‌شود. (به نظر می‌رسد که ایشان از نظریه ابراز شده در پرونده‌ای^۱ استفاده نموده‌اند، در آن پرونده نیز چنین نظری ابراز شده بود). این جمع‌بندی منفعتی را در حدود ۸۵ میلیون پوند موجب گردید اما از خواهان فقط به اندازه ۳۵ میلیون پوند رفع خسارت شد.^۲

تفسیر ساده از بند ۳ بخش (۱) که در چنین پرونده‌هایی مجری است مستلزم این است که خواننده، منفعت با ارزش (ماشینهای نیمه کامل) را قبل از سقوط تعهد، به دلیل عقیم شدن دریافت کرده و دادگاه خواهان را مستحق مبلغ معینی بداند، مبلغی که مورد حکم قرار می‌گیرد بدون شک بستگی به «شرایط و اوضاع و احوالی دارد که منجر به تقویت عقیم شدن» شده است. در صورت فقدان سایر معیارها مبلغ دقیق خسارت قابل دریافت، نصف میزان کاری است که نتیجه آن به دلیل حدوث عقیم شدن از بین رفته و از این طریق به شخص عامل، خسارت وارد شده است.

مسئله‌ای که در یک پرونده هم‌شکل، یعنی آپلی‌بای علیه ماریز می‌تواند مطرح شود این است که مبیع نیمه کامل حتی قبل از اینکه از بین برود هیچ‌گونه فایده‌ای ندارد. در پرونده‌ای کانادایی^۳ یک سیستم گرماساز مرکزی نیمه کامل (که بعداً به دلیل آتش‌سوزی از بین رفت) به عنوان چیزی مفید محسوب نمی‌شد، زیرا به علت کامل نبودن قابل استفاده نبود. در چنین مواردی به عنوان «استدلال متقابل»^۴ می‌توان گفت که کالای نیمه کامل از این جهت دارای اهمیت است که هزینه‌هایی کمتر از نوع کامل برای آن صرف شده و با کمی دستکاری می‌توانست فایده داشته باشد. با این حال، صلاحیت حکم به پرداخت خسارت به سازنده یا عدم آن، با دادگاه است و نمی‌توان صدور حکمی را به دادگاه تحمیل

1. Appleby v. Myers, Ibid.

2. Cheshire op cit p. 590.

3. Parsons Ltd v. Shea(1960).

4. Counter Argument.

نمود.^۱

گفتار سوم: مقررات خاص قانون بیع کالاها

در برخی موارد بنا بر بند (۱) بخش ۶۱ قانون بیع کالاها^۲ (مصوب ۱۹۷۹) حکم استثنایی در مورد کالاهای خاص اعمال می‌شود، بند مذکور کالاهای خاصی را شامل می‌شود که عبارتند از:

«کالاهایی که در زمان انعقاد قرارداد، معین بوده و بر آنها توافق شده است».^۳

کالاهایی که در موعد مذکور نامعلوم باشند مشمول حکم استثنایی بند مذکور نیستند، البته دکتربین «عقیم شدن قرارداد» در مورد کالاهای اخیر به ندرت اجرا می‌شود. «اگر الف توافق کرده باشد که مقدار ۶۰۰ تن زغال سنگ به (ب) تسلیم نماید در این فرض عقیم شدن قرارداد اتفاق نمی‌افتد چون مبیع کلی است - حتی اگر (الف) منبع خاصی را برای تأمین مبیع در نظر گرفته باشد - البته چنین فرضی در مورد طرفین قرارداد به ندرت اتفاق می‌افتد (یعنی غالباً مبیع و ثمن هر دو کلی نیست). در فرض مذکور قرارداد می‌تواند از سوی شخص الف در هر زمانی اجرا شود و اگر منبعی که او در نظر داشته از بین رفته باشد باید از منبع دیگری به مقدار لازم زغال سنگ تهیه نموده و تحویل دهد و در صورت نقض قرارداد مسؤول آن است».^۴

از طرف دیگر کالاهایی که به صورت کلی مورد معامله قرار گرفته‌اند، می‌توانند از منبع معینی تأمین گردند، به طور مثال ۶۰۰ تن زغال سنگ از محموله کشتی که اکنون در بندرگاه تحت تعمیر است و لذا اگر در نتیجه آتش‌سوزی کشتی محموله آن طعمه حریق شود چنین قراردادی بدون تردید، عقیم (غیرممکن) می‌شود.^۵

1. Taylor op cit p. 172.

2. Sale of Goods Act 1979.

3. "Goods identified and agree on at the time of contract of sale is made".

4. Blackburn Bobbin co ltd v. Allen (T.W) & sons ltd [1918]

5. Beat son, op cit, p. 534.

البته در برخی موارد در اینکه قضیه مشمول قانون اصلاح حقوقی قراردادهای عقیم شده (مصوب ۱۹۴۳) هست یا نه، تردید شده است، برای نمونه در یک پرونده حکم شد که کالاهای خاصی به لحاظ ماهیتشان مشمول بخش ۵۲ قانون بیع کالاها (اجرای مقررات خاص) نمی‌شوند و این امر مسجل شد که کالاهایی از آن دست مشمول قانون بیع کالاها نبوده، بلکه مشمول قانون اصلاح حقوقی قراردادهای عقیم شده (۱۹۴۳) می‌باشند.

مسأله مشابهی در پرونده‌ای مطرح شده است:^۱

«خواننده با فروش ۲۰۰ تن سیب‌زمینی که باید از محصول مزرعه معینی تحویل می‌شد موافقت کرد. مزرعه مذکور آن مقدار محصول را نتوانست تولید کند و بر این اساس خواننده فقط موفق به تحویل ۸۰ تن شد. در پاسخ به ادعای خواهان بر عدم تسلیم ۱۲۰ تن از محصول مذکور، خواننده عنوان نمود که او آنچه که برایش مقدور بوده را تسلیم نموده و از دادن مابقی متعذر است». حکم شد که خواننده مسؤولیتی ندارد. قاضی ملیش^۲ اظهار داشت: «این قضیه به قراردادهای مربوط به تحویل نوع خاصی از کالاها ارتباط زیادی ندارد؛ زیرا کالاهای خاصی فروخته نشده‌اند. در این مورد توافقی برای فروش ۲۰۰ تن از محصول مزرعه خاص صورت گرفته، لذا این توافقی برای فروش چیزی است که در آینده ایجاد خواهد شد (معامله سلف) و ممکن است کالاهای خاصی محسوب شوند، لذا هیچ کس مسؤول اجرای قراردادی که ناممکن شده نیست».

برخلاف آنچه قاضی ملیش اظهار داشته، سبب‌زمینی جزء کالاهای خاص مشمول قانون بیع کالاها نمی‌شود؛ لذا از این نظر رأی مزبور قابل انتقاد است.^۳

چنان که ملاحظه می‌شود در حقوق انگلیس مانند حقوق ایران که بررسی خواهد شد، قرارداد، از تاریخ عقیم شدن دارای هیچ‌گونه اثر قراردادی نیست؛ «بنابراین مسؤولیت طرفین برای اجرای عادی قرارداد منتفی و تمام آنچه که قبل از زمان اسقاط تعهدات از

1. Howell v. Coup land(1867).

2. Mellish L.J.

3. Beat son, op cit.

قرارداد ناشی گردیده البته قابل مطالبه است»^۱ در خصوص تعهدات قراردادی و زوال آنها در صورت لغو قرارداد به دلیل عقیم شدن آن، لرد سیمون (رییس مجلس اعیان) در پرونده‌ای^۲ اظهار داشته است:

«هنگامی که قرارداد از دیدگاه حقوق عقیم می‌شود، این مسأله نه فقط دفاعی را برای یکی از طرفین در دعوایی که از سوی طرف دیگر مطرح شده فراهم می‌آورد بلکه قرارداد را به نابودی کشانده و به صورت قهری طرفین را از تعهدات (قراردادی) مبرا می‌سازد»^۳.
در گفتار بعد به بررسی آثار عقیم شدن قرارداد در حقوق ایران می‌پردازیم.

گفتار چهارم. آثار عقیم شدن قرارداد در حقوق ایران و فقه اسلامی

نظریاتی که در حقوق خارجی و در خصوص عقیم شدن قرارداد ارایه شده و در حقوق انگلیس با عنوان «دکترین عقیم شدن قرارداد» مورد بررسی تفصیلی قرار گرفته، در حقوق ایران به ندرت مطرح شده و اگر هم باشد توسط حقوق دانان سالهای اخیر است، که سعی کرده‌اند مفاهیم را به طور مستقیم یا غیرمستقیم وارد حقوق مدنی ایران سازند. با توجه به اینکه فقه اسلامی با غنای فراوان و تحلیل دقیق خود در سالهای گذشته تکمیل شده و بر قانون مدنی ایران و حتی بر نظریات حقوقی ارایه شده تأثیر گذاشته است بررسی موضوع از دیدگاه فقه لازم می‌نماید تا ابعاد قضیه در حقوق ایران مشخص شود.

در فقه اسلامی علاوه بر اصل حاکمیت اراده، ثبات قراردادهای و لزوم آنها، اصل دیگری تحت عنوان «اصل صحت» نیز وجود دارد. لذا اگر فردی مدعی مقیم شدن قرارداد باشد این ادعا به حکم «اصل عدم» منتفی و با توجه به اصول مذکور صرفاً یک ادعاست و مدعی باید خواسته خویش را که خلاف اصل و ظاهر است اثبات کند و فقط در صورت اثبات این امر است که می‌توان در مورد آثار عقیم شدن قرارداد بحث کرد.

یکی از مواردی که در فقه موجب عقیم شدن قرارداد دانسته شده است «تعذر از تسلیم

۱. اشمیتوف، منبع پیشین، ص ۳۱۰.

2. Joseph Constantine Steamship line LTD v. Imperial Smelting Corporation LTD (1942).

3. Simon L.J in: Joseph Constantine Steamship line LTD v. Imperial Smelting Corporation LTD (1942).

مورد معامله» بعد یا قبل از عقد است. اگر این تعذر قبل از انعقاد قرارداد وجود داشته باشد، قرارداد به علت اینکه یکی از شرایط عوضین یعنی قدرت بر تسلیم مورد معامله وجود ندارد باطل است، لذا اگر شخصی کیوتر در حال پرواز را، بفروشد معامله صحیح نیست.^۱ با این حال ممکن است که تعذر از تسلیم و ناممکن شدن قرارداد بعد از عقد رخ دهد؛ در این حالت آثار معامله صحیح بر آن عقد تا زمانی که قدرت بر تسلیم وجود دارد بار می‌شود، لذا اگر اسبی فروخته شود و بعد از وضع حمل وحشی شود و غیرقابل مهار و تسلیم به مشتری شود، در این مثال، منافع - کره اسب متولد شده - متعلق به خریدار می‌شود؛ زیرا در فقه، قراردادی که در هنگام وقوع، کلیه شرایط صحت را داراست قابل ابطال نیست، بلکه منفسخ می‌شود.

«اگر قدرت بر تسلیم و دریافت مبیع برای مدت معینی عرفاً امکان‌پذیر نباشد و این فقدان قدرت موقت به گونه‌ای باشد که قابل مسامحه نباشد مانند یکسال و بیشتر، در اینکه بیع باطل است بنا بر اجماعی که نقل شده و اینکه غرر وجود دارد (و در نتیجه باز هم بیع باطل است) یا بیع صحیح است، اختلاف نظر وجود دارد؛ با این حال به نظر می‌رسد که قول به صحت ارجح است؛ زیرا آنچه که، اجماع ادعایی بر آن صورت گرفته ناظر به موردی است که، تعذر از ابتدا موجود (و برای همیشه باشد) و اینکه مشتری مغرور شده است؛ به این دلیل که وی از لزوم صبر و تحمل برای دستیابی به مبیع بعد از گذشتن مدتی که در آن مبیع قابل تسلیم نبوده و اطلاع داشته دفع می‌شود و این مورد مانند حالتی است که تأخیر در تسلیم مبیع شرط شده باشد.

«ممکن است که اجرای قرارداد فقط نسبت به بخشی از مورد معامله متعذر شده

باشد».^۲ در این صورت قرارداد بنا به آنچه در کتب فقهی و به طور غیرمستقیم در قانون

۱. امینی، علیرضا و آیتی، سیدمحمدرضا، *تحریرالروضه فی الشرح للمعه*، انتشارات سمت و طه، چ اول، تهران ۱۳۷۷. ص ۱۸۷

۲. انصاری، شیخ مرتضی، *کتاب المکاسب*، ج سوم، تصحیح و تعلیق از (مرحوم) آیت‌الله العظمی پایانی، چ دوم، انتشارات اسماعیلیان، قم ۱۳۷۸، ص ۲۷۵.

مدنی ذکر شده است، به دو قرارداد صحیح و باطل (یا منفسخ) تجزیه شده و در قسمتی که قدرت انجام وجود دارد صحیح و در جزء دیگر باطل یا منفسخ می‌شود. به طور مثال اگر مورد تعهد تسلیم ده دستگاه جرثقیل باشد که پنج دستگاه از آنها در حین بازرسی فنی به علت نداشتن استاندارد کیفیت و قدرت ایستایی در مقابل فشار وارد، غیرقابل استفاده تشخیص داده شده باشند، قرارداد در صورتی که معامله نسبت به عین معین صورت گرفته باشد نسبت به پنج دستگاه مذکور باطل می‌شود و در غیر این صورت اگر قرارداد بر عین کلی منعقد شده باشد، باطل نمی‌شود بلکه به علت عهدی بودن عقد، متعهد مکلف به تحویل ۵ دستگاه جرثقیل استاندارد و واجد شرایط قراردادی خواهد بود.

به طور کلی قواعدی که در مورد تلف مورد تعهد اجرا می‌شود، در مواردی که مورد تعهد غیرممکن و به این طریق قرارداد عقیم می‌شود نیز اجرا می‌شود، لذا «اگر پس از انعقاد قرارداد، قانون موضوع تعهد را نامشروع اعلام کند تعهدی که موضوع آن نامشروع اعلام شده ساقط می‌شود زیرا ممنوع شرعی در حکم ممنوع عقلی است (الممنوع الشرعاً کالممنوع عقلاً).^۱

بطلان، ممنوع شدن عقلی یا شرعی، انفساخ یا هر عنوان دیگر که برای عقد غیرممکن به کار رود به این معنی است که تعهد ناشی شده از عقد ساقط شده است. «زیرا اجرای تعهد غیرممکن شده است و مدیون مسؤول آن نیست (عدم امکان اجرا ناشی از تقصیر مدیون نبوده است)، بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم تعهد ساقط می‌شود».^۲

بحث مهمی که باقی می‌ماند این است که اگر در اثنای عقیم شدن قرارداد یکی از طرفین مالی را از طرف دیگر دارا شده باشد یا اینکه به علت تسلیم یا انجام قسمتی از مورد معامله یا مورد تعهد، جزیی از قرارداد صرفاً عقیم شده باشد و منفعتی نصیب یکی از طرفین شده باشد، چه قاعده‌ای برای جبران خسارت طرف دیگر می‌تواند وجود داشته باشد؟ آیا

۱. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین.

۲. سنهوری، عبدالرزاق احمد، *انتقال و سقوط تعهدات*، ترجمه امینی، علیرضا، دانش کیا، محمدحسین، و امینی، منصور، انتشارات مرکز نشر و ترجمه کتاب، تهران، [بی تا]، ص ۴۷۶.

می‌توان جبران خسارت را در این موارد و لزومش را توجیه کرد؟
قانون مدنی ایران به این موضوع نپرداخته است ولی می‌توان با استناد به مقررات قانون مذکور در خصوص استیفای نامشروع (بهره‌وری و بهره‌برداری بدون اجرت از عمل دیگران یا به طور عام‌تر دارا شدن بدون سبب از اموال دیگران) و «قاعده لاضرر» در فقه اسلامی حکم قضیه را استخراج کرد. به طور کلی وقتی قراردادی غیرممکن می‌شود این به معنی مجاز ساختن و آزاد گذاشتن یکی از طرفین قرارداد یا هر دو در بهره‌مند شدن از مال دیگری که ممکن است به موجب قرارداد عقیم شده در اختیار ایشان قرار گرفته باشد، نیست بلکه باید قرارداد باطل و بی‌تأثیر دانسته شده، مال و منافع و نمائات هر کس به آنها اعاده شود؛ با این حال تفاوت عمده‌ای که در این زمینه بین حقوق ایران و انگلیس وجود دارد تمایز قراردادهای باطل و منفسخ به تبعیت از فقه اسلامی در حقوق ایران است که به موجب آن همان‌طور که گفته شد منافع مال کسی است که به موجب عقد مالک شده و حدوث انفساخ، در حقوق سابقی که به موجب عقد تحصیل شده مؤثر نخواهد بود، دلیل این امر این است که در فقه امامیه که قانون مدنی نیز از آن تبعیت کرده، برای تشکیل قرارداد، تسلیم مورد معامله از شرایط و ارکان ضروری محسوب نمی‌شود و قرارداد به مجرد تلافی قصد و رضای افراد دارای اهلیت، به صورت صحیح منعقد می‌شود.

نکته دیگر بررسی وضعیت هزینه‌هاست. ممکن است یکی از طرفین قرارداد هزینه‌هایی را برای مورد معامله یا عملی که قرارداد برای انجام آن واقع شده متحمل شده باشد و این هزینه‌ها دارای مبالغ هنگفتی باشد، در این مورد سؤال این است که هزینه‌های صورت گرفته از سوی یکی از طرفین برای انجام یا اجرای قرارداد بر عهده چه کسی است؟ آیا شخص هزینه کننده باید متحمل شود یا برای طرف مقابل نیز می‌توان سهمی قایل شد؟
در پاسخ ابتدا باید گفت که اگر این هزینه‌ها به منظور خدمت به طرف دیگر انجام شده و صورت خارجی نیز یافته باشد، مثلاً مورد معامله ساختن خانه‌ای بوده است که باید به صورت آپارتمانی ساخته می‌شده است، اگر در حین عقیم شدن قرارداد چند واحد از

مجموعه آپارتمانی که قابل استفاده و آماده سکونت است به طرف قرارداد تحویل شده باشد، در این صورت با توجه به این اصل که هیچ کس نباید از اموال و اعمال دیگران بدون سبب قانونی یا قراردادی استفاده کند یا بهره‌مند شود، باید مالک آپارتمان را مسؤول هزینه‌هایی دانست که برای ساخت آپارتمان شده است. اما در صورتی که هزینه‌های صورت گرفته از سوی متعهد، نمود خارجی پیدا نکرده باشد یا قبل از اینکه آنچه به موجب قرارداد، تعهد به تسلیم آن وجود دارد در اختیار مشتری قرار گیرد عقیم شدن قرارداد اتفاق افتد، مانند اینکه در جریان ساختن آپارتمان، معمار، نقشه‌ها و وسایل کار را فراهم نموده و در محل کار حاضر کرده باشد ولی قبل از شروع کار، شهرداری ساختن مسکن را در آن مکان ممنوع کند، در چنین مواردی نمی‌توان هزینه‌ها را بر عهده متعهدلهی که با حسن نیت در انعقاد قرارداد شرکت داشته و هیچ نقشی در عقیم شدن قرارداد نداشته تحمیل کرد. با این حال اگر وی بر حادثه عقیم کننده اطلاع داشته باشد - مانند اینکه بداند شهرداری ساخت خانه را در مکان معینی که وی در جهت احداث مسکن در آنجاست به علت طرح پارکی بزرگ در آنجا منع کرده باشد - در این صورت باید گفت که اراده یکی از طرفین در عقیم شدن قرارداد به معنی این است که عقیم شدن به معنی اصطلاحی اتفاق نیفتاده است و شخص عالم را باید مسؤول تمام هزینه‌ها دانست.

به نظر می‌رسد که در حقوق ایران نیز مانند حقوق انگلیس، اگر بنا بر قرارداد بین متعهد و متعهدله کالاها به گونه‌ای که شخصی غیر از وی حاضر به خرید کالاهای مذکور نباشد و در حین کار ساخت یا پس از آن و قبل از تسلیم مورد تعهد به متعهدله اگر قرارداد عقیم شود باید متعهدله را در هزینه‌ها و خسارات وارده بر متعهد شریک دانست، زیرا کالاها فقط برای شخص وی ساخته می‌شده است و عدالت ایجاب می‌کند که او نیز در ضرر وارده سهیم باشد.

نهایتاً باید گفت که توجیه آثار عقیم شدن قرارداد با استیفای نامشروع و داراشدن ناعادلانه بهتر از قاعده لاضرر به نظر می‌رسد، زیرا ممکن است که ضرر و خسارتی وارد

شده باشد ولی نتوان کسی را یافت که ضرر را به وی منتسب کرد.

نتیجه‌گیری

عقیم شدن قرارداد به معنی نابود شدن بنیان به طور کامل یا جزئی است که می‌تواند آثاری را از حیث هزینه‌های انجام شده، خسارات تحمیل شده و منافع تحصیل شده داشته باشد. با توجه به فقدان اثر برای قرارداد باطل توجیه آثار ناممکن شدن قرارداد جز از طریق توسل به مقررات عام مسؤلیت مدنی امکان‌پذیر نیست. به طور کلی به نظر می‌رسد که توجیه عقیم شدن قرارداد و آثار آن از این بعد که عدالت تا حد ممکن تأمین شود و ضرری که به ناحق وارد شده بدون جبران نماند، بر مبنای «جلوگیری از داراشدن و استیفای بدون سبب» صحیح‌تر به نظر می‌رسد که بررسی رویه قضایی انگلیس و مقررات مسؤلیت مدنی ایران بر این امر دلالت دارد. اگر جزیی از قرارداد عقیم شده باشد به علت وجود قسمتی دیگر، تسلیم یا انجام از سوی متعهدله به متعهد را توجیه کند، اما در صورتی که چیزی از مال یا عمل مورد معامله به متعهدله تسلیم نشده و قبل از تسلیم، قرارداد به طور کلی عقیم شود، توجیه تحمیل خسارت به متعهدله دشوار به نظر می‌رسد. با این وجود باید این امر را در موردی که کالاهای مورد قرارداد یا عمل مورد تعهد به نحو ویژه‌ای و فقط برای شخص متعهدله ساخته شده یا در حال انجام است و با این وجود قبل از تسلیم یا تکمیل به علت حادثه‌ای غیرمترقبه از بین رفته‌اند در حقوق ایران با توجه به قواعد عمومی مسؤلیت و در حقوق انگلیس بر مبنای آرای صادره در این خصوص، مسجل دانست.

منابع و مأخذ

الف: فارسی

۱. میرمحمدصادقی، حسین، **مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان** (ترجمه)، چ اول، نشر حقوق دان، تهران ۱۳۷۷.
۲. شهیدی، مرحوم مهدی، **سقوط تعهدات**، چ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران ۱۳۶۸.
۳. کاتوزیان، دکتر ناصر، **نظریه عمومی تعهدات**، چ اول، نشر یلدا، تهران ۱۳۷۴.
۴. شهیدی، مهدی، **تشکیل قراردادها و تعهدات**، چ اول، چ اول، نشر حقوق دان، تهران ۱۳۷۷.
۵. شفایی، محمدرضا، **بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها**، چ اول، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۷۶.
۶. اشمیتوف، کلابوم، **حقوق تجارت بین الملل**، چ اول، ترجمه دکتر بهروز اخلاقی و دیگران، چ اول، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۸.
۷. امینی، علیرضا و آیتی، سیدمحمدرضا، **تحریرالروضه فی الشرح للمعه**، انتشارات سمت و طه، چ اول، تهران ۱۳۷۷.
۸. انصاری، شیخ مرتضی، **کتاب المکاسب**، ج سوم، تصحیح و تعلیق از (مرحوم) آیت الله العظمی پابانی، چ دوم، انتشارات اسماعیلیان، قم ۱۳۷۸.
۹. سنهوری، عبدالرزاق احمد، **انتقال و سقوط تعهدات**، ترجمه امینی، علیرضا، دانش کیا، محمدحسین و امینی، منصور، انتشارات مرکز نشر و ترجمه کتاب، تهران، بی تا.

ب: انگلیسی

10. Smith & Thomas, **A Case book on contract**, international student edition, Ninth edition, Sweet & Maxwell, London 1992.
11. **Law Reform (frustrated contracts), Act 1943.**
12. Lawrence William H. & Henning, William H. **Understanding Sales and Leases of Goods**, Lexis Nexis 1996.
13. Taylor, Richard. D, **law of Contract**, Sixth Edition, International Student Ed. Blackstone Press. London 1988.

14. Anson, **Law of Contract**, 27th edition, by J. Beatson, Oxford University Press, Oxford, UK, 1998.
15. Perillo, Joseph M. **Force Majeure and Hardship under the UNIDROIT Principles of International Commercial Contracts**, reproduced from earlier writings, specifically Calamari, John D., & Joseph M. Perillo, *The Law of Contracts*, ch. 13 (3d ed., 1987) and Joseph M. Perillo, *Hardship and its Impact on Contractual Obligations: A Comparative Analysis* (Rome, 1996).
16. Puelinickx, A. H. **Frustration, Hardship, Force Majeure, Imp revision, Wegfall der Geschäftsgrundlage, Unmöglichkeit, Changed Circumstances, A Comparative study in English, French, German and Japanese Law**, Transnational Law Data Base. Available at: www.tldb.com.
17. Richard Paul, **Law of Contract**, Fourth Edition, London: Financial Times & Pitman Publishing 1999.
18. Saliba, Aziz T. Rebus sic stantibus: A Comparative Survey, **Murdoch University Electronic Journal of Law**, Volume 8, Number 3, September 2001.
19. Southerington, Tom. **Impossibility of Performance and Other Excuses in International Trade**, Publication of the Faculty of Law of the University of Turku 2001.
20. Willmott, Lindy; Christensen, Sharon & Butler, Des. **Contract Law**, Oxford university Press 2001.
21. Treitel G.H **the law of contract**, Tenth edition, Sweet & Maxwell, London 1999.
22. **Sale of goods**, Act 1979.